

**یکشنبه 4 بهمن 8 صفر 24 ژانویه**

سلمان فارسی از شخصیت‌های اسلامی بلندآوازه و از صحابه معروف پیامبر اکرم (ص) است.

**درگذشت سلمان فارسی در سال 35 هجری قمری**

سلمان فارسی از شخصیت‌های اسلامی بلندآوازه و از صحابه معروف پیامبر اکرم (ص) است.

وی با این که ایرانی‌نژاد بود، در میان عرب‌ها و مسلمانان حجاز که غالباً عرب‌نژاد بودند، به مقامی رفیع و مرتبه‌ای بلند دست یافت. در سال اول هجری، هنگامی که پیامبر اکرم (ص) میان هر دو نفر از مسلمانان مهاجر و انصار پیمان برادری برقرار نمود، میان سلمان و ابودردا (عویمر بن زید) نیز عقد اخوت بست و در این ماجرا به سلمان فرمود: یا سلمان أنت من أهل البيت و قد آتاك الله العلم الاوّل و الآخر و الكتاب الاوّل و الكتاب الآخر؛ ای سلمان، تو از اهل بیت ما هستی و خدای سبحان به تو دانش نخستین و واپسین را عنایت کرده است و کتاب اوّل (نخستین کتابی که بر پیامبران الهی نازل شده بود) و کتاب آخر (قرآن مجید) را به تو آموخته است. ابوالبحتری روایت کرد: از حضرت علی (ع) درباره شخصیت سلمان فارسی پرسش شد، آن حضرت فرمود: تابع العلم الاوّل و العلم الآخر و لا يدرك ما عنده؛ سلمان، به دست آورنده و پیروی کننده دانش نخست و دانش واپسین (یعنی تمامی معارف) بود و آن چه در نزد اوست، بر دیگران پنهان مانده است.

سلمان فارسی به حدیفة بن یمان که از دوستان وی بود، درباره دانش و معرفت، چنین سفارش کرد: یا أبا بنی‌عبس، انّ العلم کثیر و العمر قصیر فخذ من العلم ما تحتاج الیه فی أمر دینک ودع ما سواه فلا تعانه؛ ای برادر طایفه بنی‌عبس، بدان که دانش، بسیار است و عمر انسان کوتاه، پس به مقداری که در امر دین‌ات به آن نیاز داری، به دست آور و مابقی را رهاکن و خود را در تحصیل آن به خستگی نینداز.

از پیامبر اکرم (ص) روایت شد: روح الامین بر من نازل گردید و به من گفت که خدای متعال، چهار تن از صحابه مرا دوست دارد.

از آن حضرت پرسیدند: یا رسول‌الله (ص)، آن چهار تن کیانند؟

پیامبر (ص) فرمود: آنان عبارتند از: علی، سلمان، ابودر و مقداد.

هم چنین قبر از امیرمؤمنان (ع) و آن حضرت از پیامبر (ص) روایت کرد: آگاه باشید که بهشت برین، مشتاق چهار تن از یاران من است. خداوند سبحان به من دستور داده است که آنان را دوست داشته باشم.

در این هنگام، تنی چند از صحابه مانند صهیب، بلال، طلحه، زبیر، سعد بن ابی وقاص، حدیفة و عمار یاسر به پیامبر (ص) نزدیک شده و از آن حضرت پرسیدند: ای پیامبر خدا (ص)! آن چهار تن کیانند؟ به ما نیز بشناسان تا ما هم آنان را دوست داشته باشیم.

پیامبر (ص) فرمود: ای عمار! تو همانی که خداوند سبحان، شناخت منافقان را به تو عنایت کرد. اما آن چهار نفر عبارتند از: اوّل: علی بن ابی طالب (ع)، دوّم: مقداد بن اسود، سوّم: سلمان فارسی و چهارم: ابودر غفاری.

مؤلف شهیر "أسد الغابة"، زندگی‌نامه سلمان را از ابن عباس به تفصیل نقل کرده است که خلاصه آن چنین است: وی از اهالی روستای "جی" از توابع اصفهان بود و پدرش دهقان تلاشگر و از پیروان دین زرتشت در این روستا بود و به خاطر علاقه و محبت زیاد به فرزندش سلمان، او را از کار باز می‌داشت و خدمت‌کار آتشکده زرتشتیان نمود. اما سلمان با مسیحیان منطقه خود آشنا شد و به کیش مسیحیت درآمد. ولی با مخالفت شدید پدرش مواجه گردید. پدرش برای جلوگیری سلمان از پیوستن به مسیحیان، وی را در بند نمود و در خانه خویش زندانی کرد. سلمان از مسیحیان یاری جست و از بند و زندان پدر رها شد و به سوی شام هجرت کرد. در آن جا با مسیحیت آشنایی بیشتری پیدا کرد و در کنار اسقف شام به خدمت‌کاری این دین پرداخت. پس از درگذشت بزرگ مسیحیان در شام، به موصل رفت و پس از مدتی به "عموریه" نقل مکان کرد و در این مدت نیز به مسیحیت و مسیحیان خدمت می‌کرد و هم درباره این دین الهی، تحقیق و تفحص بیشتری به عمل می‌آورد. پس از درگذشت بزرگ مسیحیان عموریه، به همراه گروهی از عرب‌های طایفه بنی‌کلب به شبه‌جزیره عربستان هجرت کرد و عرب‌ها ناجوانمردانه وی را در وادی‌القری به مردی از یهود فروختند. مدتی نگذشته بود که مردی از یهودیان بنی‌قریظه، او را از آن یهودی خرید و به همراه خود، به مدینه برد. سلمان، مدتی در این شهر به خدمت‌کاری یهودیان پرداخت. تا این که با دعوت پیامبر (ص) آشنا گردید و گمشده خود را در وجود شیرین پیامبر (ص) یافت.

وی، مسلمان شد و به فرمان رسول خدا (ص) با صاحب خود پیمان بست که قیمت خود را پرداخت کند و آزاد گردد. مرد یهودی با وی عقد مکاتبه بست که در قبال غرس سیصد نهال خرما و یک دبه کامل و چهل اوقیه طلا، وی را آزاد نماید.

پیامبر اکرم (ص) و برخی از صحابه آن حضرت، وی را یاری کردند تا قیمت کامل خویش را به یهودی پرداخت کرد و طعم آزادی را بار دیگر چشید و در زمره مسلمانان آزاد و یاران نزدیک رسول خدا (ص) درآمد.

سلمان در سالی که پیامبر (ص) میان هر دو مسلمانان عقد اخوت بست، به عقد اخوت ابودرداء درآمد و در جنگ خندق، از طراحان اصلی جنگ بود و از آن بعد در تمامی جنگ‌های مسلمانان شرکت نمود و حتی پس از رحلت رسول خدا (ص) در برخی از فتوحات اسلامی حضور فعال داشت.

وی پس از رحلت پیامبر (ص) به کوفه رفت و در آن جا مقیم گردید. سرانجام در سال 35 هجری قمری در آخر خلافت عثمان و به قولی

در اول سال 36 هجری قمری، بدرود حیات گفت.

برخی از مورخان روز وفات سلمان را، هشتم صفر دانسته‌اند. اگر منظورشان صفر سال 35 قمری باشد، پس وفاتش در آخرین سال خلافت عثمان بن عفان روی داده است. ولی اگر مرادشان صفر سال 36 قمری باشد، دانسته می‌شود که وی در اوائل خلافت حضرت علی(ع) زنده بود و حکومت مدائن را هم چون گذشته بر عهده داشت و پس از قریب به پنجاه روز از خلافت آن حضرت، در مدائن وفات یافت. حضرت علی(ع) آن هنگام در مدینه ساکن بود و هنوز به کوفه مهاجرت نکرده بود. آن حضرت، در عالم غیب از مدینه به مدائن رفت و بر جنازه سلمان نماز خواند و وی را در همان مکان دفن نمود.

سلمان فارسی چه آن هنگامی که در مدینه ساکن بود و چه آن هنگامی که به کوفه هجرت کرد و چه آن هنگامی که از سوی عمر بن خطاب به حکومت مدائن منصوب شد، لحظه‌ای از محبت و دوستی حضرت علی(ع) و خاندان وی غافل نشد. او از یاران نزدیک رسول خدا(ص) و امام علی(ع) و از شیعیان نخستین و راستین صدر اسلام است.

وی در مدائن وفات یافت و حضرت علی(ع) در عالم معنی و غیب، خود را به مدائن رسانید و او را غسل و کفن کرد و بر جنازه‌اش نماز خواند و در همان جا دفن نمود. هم اکنون مرقد او زیارت‌گاه شیفتگان حقیقت و معرفت است.

شکنجه و آزار ابن‌زبایات، به دستور متوکل عباسی سال 233 هجری قمری

محمد بن عبدالملک، معروف به زبایات وزیر، در دوران خلافت معتصم عباسی(هشتمین خلیفه عباسیان) به خاطر برخورداری از فضل و دانش و تبخّر در علم نحو و لغت، جذب دستگاه خلافت عباسی گردید.

وی به معتصم عباسی، بسیار نزدیک و از خواص وی به شمار می‌آمد. به همین جهت، معتصم عباسی مقام وزارت را به وی واگذار کرد و بر ارج و منزلت او افزود.

زیات به خاطر برخورداری از ذوق شعر، دانایی و حسن سلوک و پشتیبانی از دستگاه خلافت و فروتنی در برابر خلیفه وقت، موقعیت مناسبی برای خویش به وجود آورد.

وی در دوران خلافت سه تن از خلفای عباسی(معتصم، واثق و متوکل) نقش مؤثری در حکومت و خلافت داشت و برای خوش‌خدمتی خلفا و تدبیر امور سیاسی و نظامی، تلاش‌های بلیغی به عمل آورد.

پس از مرگ معتصم عباسی در نیمه ربیع‌الاول سال 227 قمری، با پسرش ابوجعفرهارون، ملقب به الواثق‌بالله بیعت شد.

در تمام دوران خلافت پنج‌سال و نه ماهه واثق‌عباسی، زبایات، مقام وزارت را بر عهده داشت و یکه‌تاز میدان سیاست بود.

وی در این مدت، تنوری چوبین که اطراف آن را از داخل با میخ‌های آهنین برجسته کرده بودند، درست کرد و مخالفان خود و حکومت را در داخل آن شکنجه می‌کرد.

متوکل عباسی که در دوران خلافت معتصم و واثق، یک جوان عیاش، بی‌بندوبار و هوس‌باز بود و طمع به خلافت داشت، همیشه مورد بی‌مهری و تحقیر واثق عباسی و وزیرش زیات قرار می‌گرفت.

قاضی‌احمد بن ابی داود که شاهد رشد روزافزون مقام و قدرت زبایات در دستگاه خلافت عباسی بود، بر او رشک می‌ورزید و دشمنی او را در قلب خود پنهان می‌کرد.

قاضی‌احمد بن ابی داود، برعکس زیات، نسبت به متوکل مهربانی کرده و وی را محترم می‌شمرد. در ذی‌حجه سال 232 قمری، واثق‌عباسی وفات یافت و متوکل عباسی، به عنوان دهمین خلیفه عباسی بر تخت خلافت تکیه زد. وی در آغاز، زیات را از وزارت عزل و احمد بن ابی داود را به وزارت خویش نصب کرد. متوکل روز به روز با تحریکات احمد بن ابی داود، نفرت خویش نسبت به زیات را آشکار می‌ساخت. تا در هشتم صفر سال 233 قمری، دستور دستگیری و حبس زیات را صادر کرد. اپتاخ به دستور متوکل، زیات را زندانی و به انواع شکنجه‌ها آزد و تمام دارایی‌اش را مصادره کرد و سرانجام وی را در همان تنوری که برای شکنجه مخالفان خود درست کرده بود، انداخته و آن قدر وی را شکنجه کردند، تا به دیار نیستی شتافت. برخی گفته‌اند که در زیر تازیانه جان داد.

درگذشت &#171;؛ ابن‌ثبانه» شاعرو نویسنده عرب در سال 768 هجری قمری

&#171;؛ ابن‌ثبانه» شاعر و نویسنده عرب در سال 768 هجری قمری درگذشت. او از محضردرس بسیاری از فضلا و ادیبان عصر خود بهره برد و مدتی هم کاتب دایر الانشای شهر دمشق بود. ابن‌ثبانه در کنار کارهای دیوانی و دولتی به سرودن شعر پرداخت. شعرا و آکنده از صنایع بدیعی است و انعکاس چندانی از اوضاع زمان در آنها مشاهده نمی‌شود.

رحلت آیت الله سید ابوالقاسم موسوی خوئی 1413 هجری قمری

خلاصه ای از زندگی این بزرگ مرد عرصه دین و دانش:

ولادت : سید ابوالقاسم خوئی، در سال 1317 هجری قمری در شهرستان خوی از توابع آذربایجان غربی، در یک خانواده علمی و مذهبی دیده به جهان گشود.

پدر بزرگوار او، مرحوم سید علی اکبر خوئی، از شاگردان مبرز شیخ عبدالله مامقانی بود و برادرش سید عبدالله خوئی، که هر دو از بزرگان عصر خویش به شمار می‌رفتند.

اساتید : اساتید او در مراحل مختلف تحصیلی، بزرگان و استوانه های فقهتی زیر بوده اند.

1 - شیخ الشریعه اصفهانی.

2 - شیخ مهدی مازندرانی.

3 - شیخ ضیا الدین عراقی.

4 - شیخ محمد حسین اصفهانی.

5 - شیخ محمد حسین نائینی.

تدریس : مرحوم سید ابوالقاسم خوئی، عاشق تدریس بود او تا توان داشت، در این سنگر مهم به انجام وظیفه می پرداخت خود مراحل تدریس را چنین می نویسد: (خارج مکاسب شیخ اعظم انصاری را از اول تا آخر دو بار تدریس کرده ام، همچنان که خارج کتاب صلوة را ده بار تدریس نموده ام تدریس خارج العروة الوثقی را در 26 ربیع الاول 1377 آغاز نموده، و از کتاب طهارت تا کتاب اجاره به پایان رسانده ام - چون اجتهاد و تقلید را قبلا تدریس نموده بودم - و هم اکنون که ماه صفر 1401 می باشد، نزدیک به اتمام آن هستم مباحث مربوط به اصول را 6 بار تمام القا نموده ام، اما در دور هفتم گرفتاری های مرجعیت، مانع از اتمام آن شد و در مبحث (ضد) آن را کنار گذاشتم.

شاگردان : حقیقتا نمی توان شاگردان و خوشه چینان حوزه درسی این فقید بزرگوار را به شمار آورد چون در طول شصت و هفت سال تدریس، انبوهی از علما و فضلا از محضر درس ایشان بهره گرفته اند فقط می توان به اسامی برخی از برجستگان اشاره نمود.

1 - شیخ صدرا باد کوبه ای.

2 - شهید سید محمد باقر صدر.

3 - شیخ محمد تقی ایروانی.

4 - میرزا جواد آقا تبریزی.

5 - میرزا کاظم تبریزی.

6 - سید جعفر مرعشی.

7 - سید علی سیستانی.

8 - سید علی بهشتی.

9 - شیخ محمود فیاض.

10 - سید رضا خلخالی.

11 - شیخ علی اصغر احمدی شاهرودی.

12 - شیخ جعفر نائینی.

13 - سید محمد مهدی خلخالی.

14 - شهید میرزا علی غروی.

16 - سید محمد روحانی.

17 - سید تقی طباطبایی قمی.

18 - شهید شیخ مرتضی بروجردی.

19 - شیخ محمد تقی جواهری.

20 - شیخ محمدرضا جعفری.

تألیفات : معظم له شاید یکی از موفق ترین مراجع عصر اخیر از نظر تألیف و تصنیف و تقریر بوده است که برای نمونه به چند اثر اشاره می نمایم.

1 - البیان فی تفسیر القرآن ج 1.

2 - نفحات الاعجاز در دفاع از کرامت و عظمت قرآن.

3 - اجود التقريرات ج 2 (اصول).

4 - تکملة منهاج الصالحین ج 1 (فقه).

5 - مبانی تکملة منهاج الصالحین ج 2 (فقه).

6 - تهذیب و تتمیم منهاج الصالحین ج 2 (فقه).

7 - المسائل المنتخبه ج 1 (فقه).

8 - مستحدثات المسائل ج 1 (فقه).

9 - تعلیقة علی العروة الوثقی ج 1 (فقه).

10 - رسالة فی اللباس المشکوک ج 1 (فقه).

11 - منتخب الرسائل ج 1 (فقه).

12 - تعلیقة علی المسائل الفقهیه ج 1 (فقه).

13 - منتخب توضیح المسائل ج 1 (فقه).

14 - تعلیقة علی توضیح المسائل ج 1 (فقه).

15 - تلخیص المنتخب ج 1 (فقه).

16 - مناسک الحج (عربی) ج 1 (فقه).

17 - مناسک حج (فارسی) ج 1 (فقه).

18 - تعلیقة المنهج لاحکام الحج ج 1 (فقه).

## 19 - معجم رجال الحديث ج 23 (رجال).

خصوصیات اخلاقی : خصوصیتی که اکثر بزرگان در آنها اتفاق نظر و تأکید دارند عبارتند است از.

1 - آن مرد بزرگ از دوران جوانی به تدریس و بحث و گفتگوهای علمی علاقه فراوانی داشت با اینکه بار مرجعیت در سنین اخیر بر دوش او سنگینی می کرد، ولی از تدریس و تحقیق و نگارش دست بر نداشت حتی در سفرهای خود به مشاهد مشرفه، کار علمی را ترك نمی کرد و کارهای موقتی که يك محقق می تواند در سفر انجام دهد، جزو برنامه خود قرار می داد و چه بسا در مجلسی که گروهی به دیدن او می آمدند، او از کار مقابله و غیره استفاده می کرد در علاقه او به بحث و گفتگو همین بس که چه بسا ساعاتی با طرف مقابل به بحث و گفتگو می پرداخت و احساس خستگی نمی کرد.

2 - او از دوران جوانی تا سنین بالا که مرجعیت عظیمی پیدا کرد، به يك حالت زیست و زندگی طلبگی را از دست نداد و پیوسته با کمال ابهت و عظمت مانند يك دانشجوی دینی سخن می گفت و سخن می شنید و از دوستان و بزرگان و کوچکان پذیرایی می کرد عجب و خود بینی در او راه نداشت، ولی در عین حال از آرا و اندیشه های خود تا حد توان دفاع می کرد.

3 - او بزرگان را بیش از حد تکریم می کرد، نقل می کنند، روزی که در مسجدی درس می گفت، مرحوم سید محسن حکیم پس از درس او در همان جایگاه تدریس می کرد، استاد پس از فراغت از تدریس به خاطر مذاکره تلامیذ، کمی در جایگاه تدریس باقی ماند که ناگهان مرحوم سید محسن حکیم وارد مسجد شد وقتی چشم مرحوم سید ابوالقاسم خوئی به وی افتاد، با يك دستپاچی خاصی کفش و لوازم دیگر خود را بر داشت و دست به سینه ایستاد و معذرت خواست.

دوران : مرحوم سید ابوالقاسم خوئی در مدت زعامت خود با مصائب و مشکلات فراوانی روبرو شد، زیرا پس از تسلط عبدالکریم قاسم بر عراق و کودتاهای مکرر، وضع روحانیت و مردم نجف ، دچار مشکل شد.

کمونیست های وطنی از يك سو و بعثی های بی رحم از طرف دیگر، عرصه را بر روحانیت تنگ کردند خصوصاً از سال 1389 هجری قمری که بعثی ها روی کار آمدند، مصائب فراوانی آفریده و مرحوم سید محسن حکیم و پس از وی مرحوم سید ابوالقاسم خوئی را با مشکلات انبوهی روبرو نمودند در شهامت و استقامت این مرد بزرگ همین بس که از دوران تسلط بعثی ها تا به امروز که ربع قرن از آن می گذرد، آنان نتوانستند از این مرجع بزرگ، برگي به نفع خود دریافت کنند، یا در جنگ تحمیلی علیه ایران، دست خطی از او بگیرند و او پیوسته با حفظ مرجعیت و حوزه علمیه نجف، کوچک ترین باجی به آنان نداد و در عین حال ناملايمات را تحمل می کرد، تا آنجا که متجاوز از سیزده سال است که گروهی از نزدیک ترین یاران او به جرم خدمت و دیانت به زندان افتاده اند و از سر نوشت آنان خبری نیست، حتی یکی از فرزندان او یعنی آقای سید ابراهیم خوئی به وسیله بعثیان ربوده شده و هیچ نوع نام و نشانی از او در دست نیست.

او به خاطر ناملايمات از يك طرف و کبر سن از طرف دیگر، دچار بیماری سختی شد و هر چه علاقمندان و بزرگان تلاش کردند که برای او پزشکی از خارج بیاورند، یا او را به خارج ببرند، حزب بعث با آن موافقت نکرد و سر انجام به بیمارستان بغداد منتقل گشت و با يك مداوای مرموز او را مرخص کردند و هیچ روشن نیست که چگونه و به چه علتی از جهان رفت و در تاریخ مرجعیت شیعه این مسأله به تجربه ثابت شده است هر مرجعی که به بیمارستان بغداد منتقل گشت، مرموزانه در گذشت و شما می توانید این مسأله را در تاریخ زندگی مرحوم شیخ احمد کاشف الغطا و مرحوم حاج آقا حسین قمی و مرحوم سید محسن حکیم و غیره به روشنی بیابید.

خدمات : مرحوم سید ابوالقاسم خوئی (ره) در سلسله نور و رحمت فقاہت، فرد شاخص و چهره بسیار ممتازی بود که دهها اثر ماندنی و بنای خیر جاودان از او به یادگار مانده است اینک فهرست اجمالی برخی از خدمات اجتماعی و اسلامی آن فقیه فقید نامور در اینجا به ثبت می رسد.

- 1 - مدینة العلم حوزه علمیه قم.
- 2 - مدرسه علوم دینی در مشهد.
- 3 - دارالعلم اصفهان.
- 4 - مجتمع امام زمان (عجل الله تعالی فرجه) در اصفهان.
- 5 - مرکز تبلیغی و آموزشی لندن.
- 6 - المجتمع الثقافي الخیری بمبئی - هندوستان.
- 7 - مبرة الامام الخوئی لبنان.
- 8 - مدرسة دار العلم نجف اشرف - عراق.
- 9 - مدارس دینی بانکوک (تایلند) و داکار (بنگلادش).
- 10 - مکتبة الثقافة و النشر للطباعة و الترجمة و التوزیع (انتشاراتی پاکستان).
- 11 - مکتبة الامام الخوئی الاسلامی نیویورک - آمریکا.
- 12 - مرکز الامام الخوئی (سوانزی).
- 13 - مدرسة دارالعلم بانکوک (تایلند).
- 14 - مکتبة الامام الخوئی (کتابخانه بزرگ نجف اشرف - عراق).
- 15 - مدرسة الامام الصادق (پسرانه) لندن - انگلستان.
- 16 - مدرسة الزهرا (دخترانه) لندن - انگلستان.
- 17 - مرکز اسلامی امام خوئی در فرانسه.

18 - مسجد و مرکز اسلامی در شهر لوس آنجلس - آمریکا.

19 - مسجد و مرکز اسلامی در شهر دیترویت ایالت میشیگان آمریکا.

دهها بنای خیر و مرکز تعلیم و تربیت در کشورهای عربی حوزه خلیج فارس.

وفات : سر انجام این مرد بزرگ پس از يك عمر تلاش و كوشش بطور مرموزی در بیمارستان در روز هشتم ماه صفر سال 1413 هجری قمری به لقا حق پیوست.

در گذشت او ساعتها مکتوم ماند و سر انجام رادیو بغداد مجبور به باز گویی آن شد انتشار خبر در گذشت او موجی از اندوه در میان شیعیان پدید آورد شیعیان مظلوم عراق که در خوف و رعب عظیمی به سر می برند، خود را آماده تشییع نمودند، ولی متأسفانه حکومت بعث، حتی در خود نجف اجازه تشییع نداد و آن مرحوم در يك حکومت نظامی محلی در نیمه شب در صحن شریف در مدخل مسجد الخضرا که جایگاه تدریس او بود به خاک سپرده شد و در تشییع او جز چند نفر از شاگردان او و فرزند عزیزش سید محمد تقی خوئی کسی حضور نداشت.

آنان به ظاهر جنازه مرحوم سید ابوالقاسم خوئی را به خاک سپردند، ولی در حقیقت کوهی از علم و دانش و جهانی از سعی و تلاش و وقار را زیر خاک نهادند.

لغو کلیه پروازها تا صبح روز هشتم بهمن در سال 1357 هجری شمسی

عوامل دست نشانده رژیم سرسپرده شاه مخلوع در سال 1357 هجری شمسی به بهانه اوضاع نامناسب جوئی و نبود دید کافی کلیه پروازها را تا صبح روز هشتم بهمن لغو کردند. بختیارنخست وزیر رژیم طاغوت پرواز امام خمینی(ره) را به ایران باز گرداند ممنوع اعلام کرد. در همین اثنا خبرگزاریها اعلام کردند که هدف دولت ایران از بستن کلیه فرگاههای غیرنظامی جلوگیری از بازگشت آیت الله خمینی است که تصمیم دارد روز ششم بهمن ماه به تهران بازگردد. از سوی کارمندان شرکت هواپیمایی ملی ایران از مردم خواستند که در محل پایانه شماره چهار فرودگاه مهرآباد اجتماع کنند. در پی این درخواست هزاران تن از مردم در این محل گرد آمدند و در نتیجه مردم نیروهای نظامی رژیم را که تا شعاع سه کیلومتری فرودگاه را زیر نظر داشتند، محاصره کردند. با این حرکت مردمی و انقلابی رژیم طاغوت اعلام عقب نشینی کرد و رادیو تهران اعلام کرد که فرودگاه بین المللی تهران پس از اینکه بیش از دو ساعت بسته شده بود بعد از ظهر همان روز یعنی روز چهارشنبه گشوده شد. همچنین در این روز کارکنان پست و مخابرات بدستور کمیته تنظیم اعتصابات به اعتصاب خود پایان دادند تا امور پستی و مخابراتی مردم به سهولت انجام گیرد.

حفر نخستین چاه نفت در سال 1860 میلادی

نخستین چاه نفت به منظور استخراج نفت در سال 1860 میلادی حفر شد و بدین ترتیب اولین بار در تاریخ صنایع نفت جهان، اقدام به استخراج این ماده حیاتی شد این چاه را ادرین لورنتین دریک حفر کرد و مدت يك سال برای حفاری این چاه کار کرد این چاه که در ایلت پنسیلوانیای آمریکا حفر شد در دویست و سی متری به نفت رسید گفتنی است که دکل و دیگر آلات و ادوات مربوط به حفاری این چاه هنوز به منزله نمادی از پیرایش صنعت نفت در جهان محفوظ مانده است.

بوجود آمدن هسته مرکزی کشور رومانی با اتحاد ایالات مولداوی و والاکیا در سال 1895 میلادی

نخستین بار در تاریخ کشور رومانی در سال 1895 میلادی در منطقه اصلی این کشور یعنی ایالات مولداوی و والاکیا با یکدیگر متحد شدند و به این ترتیب هسته مرکزی کشور رومانی بوجود آمد در سال 1859 میلادی ، الکساندرا کوزا به حکومت این دو ایالت منصوب شد سرانجام پس از اتحاد این دو ایالت کشور رومانی در شرق اروپا شکل گرفت و بصورت سرزمین واحد در آمد.